

## تأثیر سطح توسعه یافتگی مناطق و تحصیلات بر پیامدهای خشونت نمادین علیه زنان در خانواده با نقش میانجی خشونت نمادین (مورد مطالعه: زنان متأهل شهر تهران)

<https://sociology.tabrizu.ac.ir>

شناسه دیجیتال: DOI:10.22034/JEDS.2023.52012.1663

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۱۲/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۲۰

شکوفه زند<sup>۱</sup>

منصور حقیقتیان\*<sup>۲</sup>

سیدعلی هاشمیان فر<sup>۳</sup>

### چکیده

خشونت واقع بر زنان در خانواده می‌تواند به سلامت و امنیت آنان (بعنوان نیمی از جامعه) و کودکان (آینده‌سازان جامعه) آسیب رساند و خانواده را دچار بحران نماید. به‌علاوه این امر در خانواده نه یک موضوع خانوادگی بلکه یک معضل اجتماعی است چنانچه بحران خانواده دامن جامعه را نیز خواهد گرفت و خود از عوامل بازدارنده توسعه می‌باشد. تحقیق حاضر در تلاش است تا پیامدهای خشونت نمادین را در روابط خانوادگی مورد بررسی قرار دهد؛ خشونتی که حافظه جمعی از آن بعنوان خشونت یاد نمی‌کند و مورد غفلت جمعی قرار گرفته است.

روش پژوهش از نوع پیمایشی و با ابزار پرسش‌نامه است. هدف تحقیق کاربردی است. جامعه آماری تحقیق شامل زنان متأهل شهر تهران هستند که بر اساس ملاک توسعه‌یافتگی، مناطق ۲، ۶، ۱۰، ۱۳ و ۱۷ انتخاب و ۴۵۰ نفر از زنان این مناطق به‌عنوان حجم نمونه براساس نرم افزار sample power تعیین شده و به روش نمونه‌گیری سهمیه‌ای مورد بررسی قرار گرفته‌اند. واحد تحلیل فرد است و در تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیات از همبستگی پیرسون و مدل‌سازی معادله ساختاری استفاده شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد متغیر آموزش و تحصیلات بر خودشکوفایی، ازخودبیگانگی و بر سرمایه فرهنگی فرزند با نقش میانجی خشونت نمادین معنادار است. ولی متغیر توسعه‌یافتگی مناطق بصورت مستقیم بر خشونت نمادین مؤثر است اما بر خودشکوفایی بر ازخودبیگانگی و بر سرمایه فرهنگی فرزند با نقش میانجی خشونت نمادین معنادار نیست.

نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد که متغیر خشونت نمادین در رابطه بین متغیر سطح تحصیلات و پیامدهای خشونت مذکور، نقش میانجی ایفا می‌کند اما در رابطه بین متغیر سطح توسعه یافتگی مناطق و پیامدهای این خشونت نقش میانجی ندارد.

**واژگان کلیدی:** خشونت نمادین، سرمایه فرهنگی، خودشکوفایی، ازخودبیگانگی.

۱. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، گروه جامعه‌شناسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران.  
shooko2002@hotmail.com

۲. دانشیار، گروه جامعه‌شناسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران (نویسنده مسئول).  
Mansour\_haghighatian@yahoo.com

۳. دانشیار، گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه اصفهان، ایران.  
j.hashemian@ltr.ui.ac.ir

## مقدمه

خانواده را می‌توان بنیادی‌ترین ساختار اجتماعی بخصوص در جامعه ایران به حساب آورد که در آن زنان پایه اصلی را تشکیل می‌دهند. مهم‌ترین کارکرد این نهاد تربیت اجتماعی و جامعه‌پذیر کردن فرزندان است. متغیر خشونت نمادین از جمله متغیرهایی است که بر نگرش افراد اثر گذاشته و از طریق آن به نحو بارزی بر رفتار زنان تأثیر می‌گذارد. این متغیر تصمیم‌گیری‌های عقلانی برای رسیدن به رشد و تعالی را در زنان کاهش می‌دهد و از آنان افرادی منفعل می‌سازد. زنان نیمی از جامعه را تشکیل می‌دهند و رشد و شکوفایی آنان می‌تواند نقش فعال، سازنده و تقویت کننده‌ای در اجتماع داشته و در تربیت فرزندان مسئولیت‌پذیر، سازگار، کارآمد و صدیق مؤثر واقع شوند.

خشونت نمادین یکی از انواع خشونت‌ها است. این خشونت تحمیل‌کننده اطاعت‌هایی است که نه فقط به مثابه اطاعت درک نمی‌شوند، بلکه با اتکا بر انتظارات جمعی و باورهای درونی شده اجتماعی، فهمیده می‌شوند (بورديو، ۱۳۹۶: ۶۶). به عبارتی، نظریه خشونت نمادین بر نظریه باز تولید باورها استوار است. ساختارهایی مانند قانون، فرهنگ، آداب، رسوم و نگرش‌های جنسیتی می‌تواند در بروز خشونت علیه زنان و نابرابری جنسیتی نقش داشته باشند. در جامعه سالم که یکی از مولفه‌های توسعه یافتگی است قطعاً خشونت خانوادگی در حداقل‌ترین میزان خود قرار دارد. خشونت آسیب اجتماعی محسوب می‌گردد و آسیب اجتماعی به هر نوع عمل فردی یا جمعی اطلاق می‌شود که در چارچوب اصول اخلاقی و قواعد عام عمل جمعی رسمی یا غیر رسمی جامعه قرار نمی‌گیرد و در نتیجه با منع قانونی و یا قبح اخلاقی و اجتماعی روبرو می‌گردد (باقری زوز و علمی، ۱۳۹۱: ۱۲۷). در این نوشتار پیامدهای خشونت نمادین در بستر خانواده بررسی می‌گردد. بدون از بین بردن ساختارهای مردسالارانه که انواع خشونت را دنبال دارد، نمی‌توان به جامعه‌ای توسعه یافته و خانواده‌ای بدور از خشونت رسید. این ساختارها سدی عظیم در پیشرفت زنان ایجاد می‌نماید چنانچه با نادیده گرفتن نیمی از مردم، یعنی زنان، توسعه یافتگی به وقوع نخواهد پیوست. مطمئناً جامعه‌ای که می‌خواهد به توسعه دست یابد به جای اینکه صرفاً به عوامل مادی متکی باشد، باید در جهت تعالی انسان‌ها و کاهش نابرابری‌ها بکوشد؛ نابرابری‌هایی در همه ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نابرابری‌هایی که معیار آن جنسیت انسان‌هاست (عراقیه فراهانی، ۱۳۹۸: ۱۳)

در بحث خشونت علیه زنان متأسفانه غالباً به دلیل نامرئی بودن آن و دسترسی نداشتن به اطلاعات و آمارهای دقیق نمی‌توان نتایج این امر را به‌خوبی تحلیل کرد؛ اما شاید بزرگ‌ترین پیامد آن، «ترس» باشد که مانع روی‌آوری زنان به زندگی مستقل می‌شود و عدم توانمندی آنان را به دنبال دارد.

ترک یک رابطه ممکن است منتهی شود به از دست دادن فرزندان و همچنین از دست دادن خانه‌ای که باتلاش ساخته بودند (آبراهامز، ۱۳۹۲: ۳۳). عواقب منفی اجتماعی نظیر افزایش هزینه مراقبت‌های بهداشتی به دلیل ابتلاء زن به بیماری‌های جسمی و روانی ناشی از خشونت، کاهش بهره‌وری و نیروی کار زنان از پیامدهای این معضل فرهنگی، اجتماعی و بهداشتی می‌باشد (لطیفیان و همکاران، ۱۳۹۵: ۷).

کودکان و نوجوانان شاهد خشونت بین والدین نیز قاعداً دارای مشکلات روحی و روانی بیشتری خواهند بود. تظاهرات خارجی این نوع خشونت را تنها می‌توان به شکل تقسیم نابرابر اقتدار و تقسیم نابرابر شانس‌های زندگی مشاهده کرد که ایجاد سلطه و تأثیرگذاری بر فرد برای کاستن از امکان تحقق توانایی‌های بالقوه است. قابل ذکر است در تحقیقاتی که در زمینه خشونت نمادین نوشته شده، به طور خاص به موضوع پیامدهای این نوع خشونت در خانواده پرداخته نشده است و آنچه امروز شاهد آن هستیم بصورت عمده خشونت نمادینی می‌باشد که بصورت مستقیم و غیر مستقیم زنان گرفتار آند و چنانچه مشخص است آموزش و تحصیلات از جمله مولفه‌های توسعه در کشورها قلمداد می‌شود و فی‌الواقع یکی از جمله روش‌هایی هستند که همواره در کاهش خشونت نمادین علیه زنان اثرگذار بوده‌اند. بر همین اساس محقق در صدد برآمد تا دریابد به چه میزان عامل توسعه یافتگی در بعد مکانی آن و نیز امر تحصیلات و آموزش می‌توانند در رشد و تعالی پیامدهای ناشی از خشونت نمادین علیه زنان اثرگذار باشند؟ آنچه مسلم است امروزه با فراهم شدن زمینه‌های دسترسی آسان به مباحث آموزش و تحصیلات و امکان رشد تحصیلی زنان، تأثیر این مهم بازم به‌عنوان عاملی که نیازمند حرکتی آگاهانه از سوی زنان می‌باشد وجود دارد، اما باید در نظر داشت که عامل توسعه‌یافتگی مناطق بیشتر به‌عنوان عاملی اقتصادی مطرح است که در بعد مکانی آن افراد در بیشتر مواقع تصمیم‌گیرنده نبوده، نقشی در ایجاد و تداوم آن شرایط مکانی نداشته و تحت پایگاه اجتماعی خانواده در آن شرایط قرار گرفته‌اند. پس دانستن این مهم که آیا صرفاً بعد توسعه یافتگی به لحاظ مکانی می‌تواند مؤید کاهش پیامدهای خشونت نمادین علیه زنان باشد؟ یا میزان تحصیلات به عنوان یک محرک درونی بیشتر می‌تواند بر این کاهش اثرگذار باشد؟ این سوالات محقق را بر آن داشت تا تحقیق حاضر را با رویکرد نقش خشونت نمادین بعنوان عاملی میانجی‌گرانه در نظر گیرد.

## مرورسوابق نظری و تجربی

در بررسی مفهوم متغیرهای پژوهش بایستی توجه نمود که خشونت‌نمادین با توجه به ویژگی پنهان و غیر مستقیم خود، موجب بروز روحیه پوچی، گریز از مشارکت اجتماعی و اضطراب در زنان می‌شود (سهراب‌زاده و همکاران، ۱۳۹۶: ۲۴۷). در این مقاله با توجه به نظریات بوردیو و

گرامشی<sup>۱</sup> خشونت نمادین بررسی شده است. بوردیو<sup>۲</sup> معتقد است خشونت نمادین به صورتی غیرفیزیکی ایجاد سلطه می‌کند و در این میدان‌ها هر گروهی که از سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نمادین افزون‌تر برخوردار باشد، شانس برتر و تسلط بیشتر در اختیار دارد (لش، ۱۳۸۴: ۳۴۷). گرامشی نیز از رهبری فرهنگی یا «هژمونی» یاد می‌کند و آن را نقطهٔ مقابل اعمال زور قدرت‌های اجرایی می‌داند (ریترز، ۱۳۹۳: ۳۸۱) که می‌توان آن را به‌عنوان راه حلی در نظر گرفت. خودشکوفایی پدیده‌ای است که انسان‌ها تمایل به پیشرفت دارند و می‌کوشند، تمامی استعدادها پنهان خود را شکوفا سازند (مهدوی دامغانی، ۱۳۹۷: ۱۵). مازلو<sup>۳</sup> مراتبی را برای دسترسی به این آرمان به صورت سلسله مراتب نیازها تدوین کرده است که عبارتند از: نیازهای فیزیولوژیک، نیازهای امنیتی، نیازهای عاطفی، نیاز اجتماعی-احترامی و نیازهای خودشکوفایی که بدون ارضای نیازهای هر طبقه نمی‌توان به طبقه بالاتر دست یافت (رحمان‌نژاد، ۱۳۹۷: ۳۵). نظریات در باب خودشکوفایی و خودپنداره مؤثر بر رشد فردی براساس نظریهٔ مازلو، تامس<sup>۴</sup>، مرتون<sup>۵</sup> و رزنتال<sup>۶</sup> عنوان شده است. تامس، مرتون و رزنتال بر خود پنداره مؤثر بر رشد فردی معتقدند که اگر فردی وضعیتی را واقعی فرض کند، پیامدهای آن وضعیت، بدل به واقعیت می‌شوند (آبان‌پرس، ۱۳۹۷). بر این اساس، انواع خشونت در طول زمان اعتماد به نفس، حس - ارزشمندی و عزت نفس (خود پنداره مثبت) را در زنان کاهش می‌دهد. با توجه به هرم مازلو، می‌توان چنین نتیجه‌گیری نمود که: چنانچه نیازهای مربوط به احترام به خویشتن و عزت نفس (طبقهٔ ماقبل خودشکوفایی در هرم مازلو) پس از نیازهای رده‌های پایین‌تر برآورده نشوند، موجب ناسازگاری‌هایی می‌شود و مانع رسیدن فرد به خودشکوفایی می‌گردد. زیرا بنابه ماهیت سلسله‌مراتب (هرم) مازلو، بدون ارضای نیازهای طبقات پایین‌تر نمی‌توان به طبقه بالاتر دست یافت. نظریات در مورد ازخودبیگانگی بر اساس نظریهٔ اریک فروم<sup>۷</sup>، کارل راجرز<sup>۸</sup>، فردینبرگ<sup>۹</sup> و سیمن<sup>۱۰</sup> عنوان گردیده. کارل راجرز لحاظ کردن خواستهٔ دیگران در گزینش کنش خود؛ اریک فروم مدنظر قرار دادن خواسته‌های دیگران در بقای نقش‌های مقرر؛ ادگار فردینبرگ سرکوب شدن مفهوم فردیت را در بروز بیگانگی دخیل می‌دانند و ملوین سیمن شاخص‌های ازخودبیگانگی را بی‌قدرتی، بی‌معنایی، انزوای اجتماعی و احساس تنفر از خود می‌داند (محسنی تبریزی، ۱۳۷۰: ۶۹-۶۶). از عقاید اریک فروم، کارل راجرز و ادگار فردینبرگ در این تحقیق استفاده شد تا بیان شود زمانی که زن مجبور است خود را در قالبی که شوهر،

1. Antonio Gramsci
2. Pierre Bourdieu
3. Abraham Maslow
4. William Isaac Thomas
5. Robert K. Merton
6. Robert Rosenthal
7. Erich Fromm
8. Carl Rogers
9. E. Friedenberg
10. melvin seeman

خانواده شوهر، فرهنگ و جامعه نقش بسته‌اند بگنجانند اصالت خود را از دست می‌دهد و اسیر خودباختگی و ازخودبیگانگی می‌شود و اما از نظرات سیمن برای ساخت شاخص‌ها و گویه‌های ازخودبیگانگی در این تحقیق استفاده شده است. نظریات در مورد سرمایه فرهنگی فرزند بر اساس نظریه بوردیو و کلمن عنوان شده است. از نظر بوردیو سرمایه فرهنگی می‌تواند به سه شکل متجسد، عینیت‌یافته و نهادینه شده باشد. کلمن<sup>۱</sup> معتقد است اگر سرمایه انسانی پدر و مادر با سرمایه اجتماعی نهفته در روابط خانوادگی تکمیل نشود، در رشد آموزشی فرزند تأثیری ندارد (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۷۹). چنان‌که ملاحظه می‌شود از شاخص‌های سرمایه فرهنگی بوردیو برای ساخت گویه‌های سرمایه فرهنگی فرزند در این تحقیق استفاده شده و از نظریه کلمن در مورد تأثیر سرمایه اجتماعی والدین بر سرمایه فرهنگی فرزند سود برده شده است. به طوری که عدم وجود روابط گرم و صمیمی میان والدین همراه با خشونت موجب می‌شود که فرزند از سرمایه اجتماعی و حمایت خانواده که منبعی برای موفقیت تحصیلی و بروز استعدادهای اوست، بی‌بهره ماند.

با پژوهش‌های علمی آشکار شد که خشونت نمادین ابعاد عمیق و وسیعی از زندگی زنان را در بر می‌گیرد که بر عوامل زیادی استوار است.

همچنین، تحقیق و بررسی در خصوص تفاوت بین مناطق مختلف به لحاظ میزان خشونت نمادین، بر اساس نظریات اسکار لوئیس، بوردیو، نظریه منابع، نظریه فشار و تنش اقتصادی (تضاد) و نظریه فروید صورت گرفته است. به‌زعم اسکار لوئیس، ویژگی‌های فرهنگ فقر عبارتند از: بیکاری، دستمزد مزد پایین، کتک زدن زن، اعتقاد به برتری مرد و احساس قربانی شدن از جانب زنان (زاهدی مازندرانی، ۱۳۹۳: ۲۳۴). از نظر بوردیو، هر گروهی که از سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نمادین افزون‌تر برخوردار باشد، شانس برتر و تسلط [و قدرت] بیشتر در اختیار خواهد داشت (لش، ۱۳۸۴: ۳۴۷). نظریه منابع نیز بیان می‌دارد هرکس به منابع مهم خانواده (مانند شغل، تحصیلات، درآمد، مهارت و ارتباطات) بیشتر از دیگران دسترسی داشته باشد، می‌تواند سایر اعضا را به فعالیت در جهت امیال خود وادارد (کبیری، ۱۳۹۷: ۳۰۳). درچارچوب نظریه فشار و تنش اقتصادی (تضاد)، فشارهای اقتصادی و فقر و بیکاری تنش‌های زوجی و خانوادگی را افزایش می‌دهد و همچنین تأثیر افزایشی بر بی‌ثباتی مرد (عصبانیت، ناراحتی و بداخلاقی) دارد (کوچکیان، ۱۳۹۷: ۱۷۴). به‌زعم فروید، بازگرداندن محرک‌های خشونت آمیز به سوی خویشتن می‌تواند نقش مهمی را در ایجاد افسردگی ایفا کند (فروید، ۱۴۰۱: ۱۲۲). بطوری که فشار و تنش ناشی از فقر منجر به افزایش خشونت خانگی بویژه در طبقات پایین می‌شود. در این شرایط، زنان پیروز این میدان نیستند و چون منابع کافی نیز (برای برخورداری از قدرت) در اختیار ندارند به سازگاری روی می‌آورند، خشم خود را فرو می‌خورند و بیشتر تحت تأثیر سلطه واقع می‌گردند. مطالعات لطفی‌خاچکی و کرمانی (۱۳۹۹) نشان دهنده

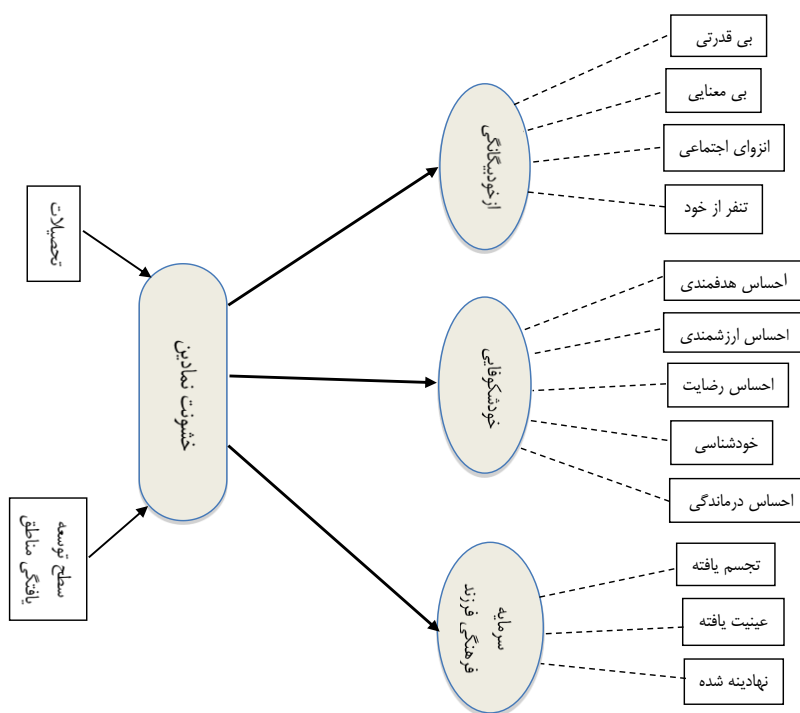
مدیریت و بروز عاملیت زنانه در تعدیل خشونت نمادین درون خانواده در میان زنان طبقه متوسط که برخوردار از منابع مالی، تحصیلی و... هستند؛ می‌باشد. ایمان و همکاران (۱۳۹۹) نیز در تحقیق خود نشان دادند که سلطه نمادین علیه زنان از ساختار اجتماعی پدرسالاری و کلیشه‌های جنسیتی متأثر از آن بر ساخته می‌شود و «نقش عصبیت‌های عشیره‌ای و پدرسالاری تاریخی در تولید و بازتولید سلطه نمادین علیه زنان» مقوله هسته‌ای می‌باشد. همچنین جعفریان و همکاران (۱۳۹۴) نیز نشان دادند مردانی که از هوش هیجانی بالاتری برخوردارند نسبت به همسر خود خشونت کمتری اعمال می‌کنند. علی‌وردی‌نیا و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهش خود عنوان داشته‌اند هرچه میزان پای‌بندی زنان به سلطه مردانه بیشتر باشد، از میزان خشونت علیه آنان کاسته خواهد شد. در تحقیقی دیگر، ابراهیمی‌پور (۱۳۹۰) نشان داده است تحمیل کار در منزل و قبح طلب اجرت در موارد مشروع و مهریه از سوی زن همان خشونت نمادین می‌باشد. و به همین ترتیب سایر مطالعات نظیر تحقیق بجورکت‌امتا<sup>۱</sup> (۲۰۱۹) نشان می‌دهد، عادت به کنترل بدون خشونت [فیزیکی] بر عملکرد و موقعیت آسیب‌پذیر خانم‌های جوان در یک خانواده پدرسالار تأثیر می‌گذارد. تحقیقات بهاتاچاریا<sup>۲</sup> (۲۰۱۸) نیز نشان داد زنان بدون آگاهی خشونت نمادین برخاسته از قدرت نمادین را حفظ نموده و تداوم می‌بخشند. گری و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۱۷) نشان دادند، نادیده گرفتن متداول و عادی سازی خشونت نسبت به زنان در فرهنگ بازی و سرگرمی وجود دارد. تاپار بجورکت<sup>۴</sup> (۲۰۱۶) هم در بررسی خود نشان می‌دهد چگونه سلطه و خشونت در برخوردها، کنش‌های اجتماعی، فرایندهای سازمان یافته و عادت‌های روزمره بازآفرینی می‌شود. در حالی که در این تحقیق فقط برخسخت علیه زنان متمرکز شده به ماهیت جنسیتی حاصل از انواع خشونت علیه مردان و گروه به حاشیه رانده شده مانند LGBT<sup>۵</sup> نیز اشاره نموده است. این مقاله در کشور سوئد به انجام رسیده که با وجود سیاست‌های برابری جنسیتی مترقی، کاهش قابل توجه خشونت علیه زنان توسط مردان در آن به چشم نمی‌خورد.

بر اساس نتایج تحقیقات پیشین می‌توان گفت بررسی این موضوع از این حیث اهمیت دارد که اندکی بر مفاهیم علمی می‌افزاید و همچنین راهکارهای عملی برای مسئولان و دست‌اندرکاران ارائه می‌کند. به لحاظ روش‌شناختی پژوهش‌های انجام گرفته که برخی از آنها را نام بردیم بیشتر به صورت کیفی است و به ندرت روش کمی مانند تحقیق حاضر میان آنها به چشم می‌خورد به-علاوه، نتایج آنها قابل تعمیم نمی‌باشد. در بیشتر آنها تأثیر خشونت نمادین بررسی شده است اما در این تحقیق پیامدهای این نوع خشونت واکاوی می‌شود و خشونت نمادین بعنوان متغیر میانجی، نقش متغیر مستقل را نیز ایفا می‌نماید.

1. Björktomta
2. Bhattacharyya
3. Gray, Buyukozturk & Hill
4. Thapar-Björkert

۵. افرادی که گرایش جنسی و رفتار جنسی به غیر از دگرجنس‌گرایان دارند.

با توجه به چهار چوب نظری این تحقیق، مدل تحلیلی زیر طراحی شده است که شامل متغیر مستقل (خشونت نمادین)، متغیرهای زمینه‌ای (سطح توسعه یافتگی مناطق و سطح تحصیلات) و متغیرهای وابسته (خودشکوفایی، سرمایه فرهنگی فرزند و ازخودبیگانگی) به همراه ابعاد این متغیرها است.



شکل ۱. مدل تحلیلی تحقیق

### فرضیات تحقیق

- سطح تحصیلات با نقش میانجی خشونت نمادین بر خودشکوفایی زنان مؤثر است؛
- سطح تحصیلات با نقش میانجی خشونت نمادین بر ازخود بیگانگی زنان تأثیر دارد؛ سطح تحصیلات با نقش میانجی خشونت نمادین بر سرمایه فرهنگی فرزند تأثیر گذار می‌باشد؛
- سطح توسعه یافتگی مناطق با نقش میانجی خشونت نمادین بر خودشکوفایی زنان مؤثر می‌باشد؛
- سطح توسعه یافتگی مناطق با نقش میانجی خشونت نمادین بر ازخود بیگانگی زنان تأثیر دارد؛
- سطح توسعه یافتگی مناطق با نقش میانجی خشونت نمادین بر سرمایه فرهنگی فرزند تأثیر گذار می‌باشد؛

## روش تحقیق

این پژوهش به لحاظ روش تحقیق از نوع پیمایشی بوده و با ابزار پرسش‌نامه و روش نمونه‌گیری غیر احتمالی با تکنیک سهمیه‌ای انجام گرفته است. از نظر هدف، کاربردی است. واحد تحلیل در این پژوهش فرد است. جامعه آماری پژوهش را زنان ۱۸ تا ۵۵ سال شهر تهران (که یک‌سال از زمان ازدواجشان گذشته باشد) تشکیل می‌دهند که تعدادشان طبق سرشماری‌های عمومی سال ۱۳۹۵، ۳۶۸۸۹۸ نفر است. حجم نمونه با استفاده از نرم افزار Spss Sample Power و با مدنظر قرار دادن معیارهایی از جمله درصد خطا (۵ درصد)، توان آزمون (بالای ۸۰ درصد)، حجم اثر شاخص ضریب تعیین (۰/۳۰) و تعداد متغیرهای درگیر در تحلیل، ۴۵۰ نفر برآورد شد. زیرا وقتی پژوهش از نوع همبستگی است یا قصد داریم دو یا چند گروه را مقایسه کنیم موقعیت متفاوت بوده، نمی‌توان از فرمول کوکران استفاده کرد در این حالت نرم افزارهای جدید این امکان را می‌دهند که در موقعیت‌های مختلف پژوهشی حجم نمونه را دقیقاً محاسبه کنند (پنجه‌پور و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۸۳-۱۸۲). این نرم افزار با در نظر گرفتن عوامل تأثیرگذار بر حجم نمونه (سطح اطمینان، توان آزمون، حجم اثر) در موقعیت‌های مختلف و متناسب با روش‌های آماری تحلیل داده‌ها حجم بهینه نمونه را برآورد می‌کند. بعلاوه بر اساس تحقیقی که حاصل پژوهش یک گروه و تیم دانشگاهی متشکل از استادان شهرسازی، جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای از سه دانشگاه معتبر ایران (شیراز، خوارزمی و تهران) بود و هدف آن، ارزیابی و تحلیل سطوح برخورداری مناطق کلان شهر تهران از لحاظ برخورداری از ۳۲ شاخص در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، کالبدی، فرهنگی، خدماتی و تفریحی است، مناطق به شرح جدول زیر انتخاب شدند (میرزایی و همکاران، ۱۳۹۴).

جدول ۱. خوشه‌بندی مناطق کلان‌شهر در عامل‌های تلفیقی

شرح	منطقه
فرا توسعه یافته	۶
توسعه یافته رو به بالا	۷، ۲، ۱، ۳
نیمه برخوردار	۱۳، ۴، ۵، ۱۱
توسعه یافته رو به پایین	۲۲، ۲۱، ۲۰، ۱۹، ۱۸، ۱۶، ۱۵، ۱۴، ۱۲، ۱۰، ۹، ۸
محروم	۱۷

برای نمونه بر اساس جدول شماره ۱، به ترتیب منطقه ۶ به عنوان تک منطقه فرا توسعه یافته، منطقه ۱۰ از بین مناطق کمتر توسعه یافته، منطقه ۱۷ به عنوان تک منطقه محروم، منطقه ۱۳ از بین مناطق نیمه برخوردار و منطقه ۲ از میان مناطق توسعه یافته انتخاب شدند و به صورت



نمونه‌گیری سهمیه‌ای مورد بررسی قرار گرفتند. با توجه به اینکه این تحقیق افراد خاصی را برای تکمیل پرسشنامه و آزمون متغیرهای خود در نظر دارد و افراد واجد شرایط باید خصوصیات و ویژگی‌های خاصی داشته باشند، بنابراین نمونه‌گیری سهمیه‌ای برای این تحقیق به نظر مناسب است.

طبق مستندات مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۵ تعداد زنان متأهل بین سنین ۱۸ الی ۵۵ سال در مناطق ۲، ۶، ۱۰، ۱۳، ۱۷ تهران به ترتیب: ۱۳۵۲۰۴، ۴۳۱۳۳۴، ۷۲۳۳۴۵، ۵۵۱۸۳ و ۶۳۰۳۲ نفر می‌باشند؛ که (براساس نرم‌افزار sample power حجم کل نمونه ۴۵۰ نفر) حجم نمونه مناطق ۲، ۶، ۱۰، ۱۳، ۱۷ به ترتیب برابر: ۱۶۵، ۵۳، ۸۸، ۶۷ و ۷۷ نفر به دست آمد. در این تحقیق برای جمع‌آوری داده‌ها و سنجش متغیرها و روابط میان آن‌ها از پرسش‌نامه برطبق مفاهیم چهارچوب نظری و فرضیات برگرفته از آن استفاده شد. برای مشخص کردن پایایی ابزار سنجش، پرسش‌نامه ابتدا میان ۳۰ نفر از پاسخگویان به‌طور تصادفی در مناطق مورد نظر توزیع و پس از تکمیل ضریب آلفای کرونباخ به‌وسیله نرم‌افزار SPSS استخراج شد و بعد از بازنگری گویه‌ها با نظر اساتید، پرسش‌نامه نهایی تنظیم شد. پس از تنظیم پرسش‌نامه نهایی، آلفای کرونباخ پرسش‌نامه برآورد گردید. برآورد مقادیر شاخص‌های ارزیابی اعتبار و پایایی ابزار سنجش متغیرها به شرح زیر است:

جدول ۲. ضریب آلفای ابعاد متغیرهای پژوهش

متغیر	ابعاد	تعداد گویه	ضریب آلفا
خودسوفیایی	احساس هدفمندی	۶	۰/۸۲
	احساس ارزشمندی	۵	۰/۷۷
	احساس رضایت	۷	۰/۸۵
	خودشناسی	۴	۰/۷۰
	احساس درماندگی	۳	۰/۸۰
از خود بیگانگی	بی‌قدرتی	۴	۰/۷۰
	بی‌معنایی	۴	۰/۷۳
	انزوای اجتماعی	۴	۰/۷۰
	تنفر از خود	۵	۰/۷۲
سرمایه فرهنگی	تجسم‌یافته	۵	۰/۷۰
	عینیت‌یافته	۷	۰/۷۰
خشونت نمادین	عادت‌واره	۱۰	۰/۷۶
	هژمونی میدان	۱۲	۰/۷۵
	مبارزه در میدان	۵	۰/۷۳
	ساختمان ذهنی مرد	۴	۰/۷۲
	ساختمان ذهنی زن	۹	۰/۷۰
	بازتولید فرهنگ مردسالاری	۴	۰/۷۰

در مجموع، با توجه به مقادیر فوق، آلفای کرونباخ مؤلفه‌ها و گویه‌های پرسش‌نامه بالاتر از ۰/۷۰ است که نشان دهنده روایی لازم ابزار اندازه‌گیری می‌باشد.

### جدول ۳. شاخص‌سازی و ساخت گویه‌های تحقیق

متغیرها	نظریات بکاررفته در شاخص‌سازی	پژوهش‌ها و پرسشنامه استاندارد بکاررفته در ساخت گویه‌ها و شاخص‌ها
خشونت نمادین	بورديو (۱۹۸۰)	مرتضوی (۱۳۹۶)، لطفی‌خاچکی (۱۳۹۹)
ازخود بیگانگی	سیمن (۱۹۵۹)	خاوری (۱۴۰۰)، بنی‌فاطمه (۱۳۹۰)
سرمایه فرهنگی	بورديو (۱۹۸۶)	ابراهیمی (۱۳۹۵)، میرزاییگی (۱۳۹۳)
خودشکوفایی	مازلو (۱۹۷۵)	پرسشنامه استاندارد اسماعیل‌خانی (۱۳۸۰): فرهمند و همکاران (۱۳۹۳)

در زمینه شاخص‌سازی در پژوهش حاضر (طبق جدول بالا) تلاش شده هم از شاخص‌هایی که در تحقیقات پیشین مورد استفاده قرار گرفته بکار رود و هم با واکاوی دقیق در ارتباط با متغیرهای مورد سنجش شاخص مناسبی برای اندازه‌گیری آنها در نظر گرفته شود. عبارتی، ابزار تحقیق جهت سنجش متغیرهای ازخودبیگانگی، سرمایه فرهنگی فرزند و خشونت نمادین، پرسشنامه محقق ساخته بوده است که به ترتیب با ۱۷، ۱۲ و ۴۴ گویه سنجیده شده‌اند. در تدوین آن از شاخص‌های ازخودبیگانگی نظریات سیمن و شاخص‌های سرمایه فرهنگی و خشونت نمادین نظریات بورديو استفاده شد که براساس روش اعتبار صوری بر پایه قضاوت داوران به‌وسیله چند تن از اساتید و کارشناسان صاحب نظر در این زمینه مورد تأیید قرار گرفت. پایایی آن نیز با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ و انجام آزمون اولیه تأیید شده است. پرسشنامه بر اساس طیف لیکرت از خیلی زیاد تا خیلی کم طبقه‌بندی شده که شامل ۱۲۰ گویه درباره عوامل روانی-اجتماعی بوده است. تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از پرسشنامه نیز با استفاده از نرم‌افزار SPSS صورت گرفت.

همچنین در این پژوهش برای متغیر خودشکوفایی از پرسش‌نامه خودشکوفایی برگرفته از مقیاس خودشکوفایی جونز و کراندل<sup>۱</sup> (۱۹۶۸) نیز استفاده شد که شامل ۲۵ گویه می‌باشد. پایایی آن به دو روش بازآزمایی و همسازي درونی (آلفای کرونباخ) توسط سازندگان آن سنجیده شده و ضرایب پایایی در دو روش به ترتیب ۰/۹۰ و ۰/۹۲ به‌دست آمده است (اسماعیل‌خانی و همکاران، ۱۳۸۰: ۱۴). نتایج پایایی این پرسشنامه در تحقیق افشانی و همکاران (۱۳۹۳) ۰/۹۴ به‌دست آمد. محمدی و اصغری ابراهیم‌آبادی (۱۳۹۹) نیز میزان آلفای متغیر خودشکوفایی را در

1. Jones and Crandall

پژوهش خود ۰/۹۴ برآورد کرده‌اند که نشان دهنده همبستگی بالای میان گویه‌های پرسشنامه در تحقیقات مورد اشاره است.

### یافته‌های تحقیق

اطلاعات این تحقیق از بین ۴۵۰ نفر از زنان متأهل شهر تهران که حداقل یک سال از ازدواجشان گذشته باشد، جمع‌آوری شد.

جدول ۴. توزیع نمونه آماری پژوهش بر حسب منطقه سکونت

منطقه	فراوانی	درصد	درصد معتبر
منطقه دو	۱۶۵	۳۶/۷	۳۶/۷
منطقه شش	۵۳	۱۱/۸	۱۱/۸
منطقه ده	۸۸	۱۹/۶	۱۹/۶
منطقه سیزده	۶۷	۱۴/۹	۱۴/۹
منطقه هفده	۷۷	۱۷/۱	۱۷/۱
کل	۴۵۰	۱۰۰	۱۰۰

برحسب مقادیر جدول بالا، ۳۶/۷ درصد از نمونه آماری پژوهش ساکن منطقه دو، ۱۱/۸ درصد منطقه شش، ۱۹/۶ درصد منطقه ده، ۱۴/۹ درصد منطقه سیزده و ۱۷/۱ درصد ساکن منطقه هفده بوده‌اند. بنابر این، می‌توان گفت افراد ساکن در منطقه دو درصد بیشتری از نمونه آماری پژوهش را به خود اختصاص داده‌اند.

جدول ۵. توزیع نمونه آماری پژوهش بر حسب سن

شاخص	حداقل	حداکثر	مد	میان	میانگین
مقدار	۱۹	۵۵	۴۰	۳۹	۳۹/۰۵

مقادیر جدول بالا بیانگر این است که سن نمونه آماری پژوهش از حداقل ۱۹ تا حداکثر ۵۵ سال است. بیشترین فراوانی مربوط به افرادی است که ۴۰ سال سن دارند و میانگین سن افراد حدود ۳۹ سال است. بدین ترتیب، داده‌ها نشانگر جوان بودن نمونه مورد مطالعه است.

جدول ۶. توزیع نمونه آماری پژوهش بر حسب میزان درآمد

درصد معتبر	درصد	فراوانی	درآمد
۲۶/۵	۱۵/۳	۶۹	زیر یک میلیون تا دو میلیون
۴۳/۵	۲۵/۱	۱۱۳	دو میلیون و صد هزار تا چهار میلیون
۱۶/۱	۹/۴	۴۲	چهار میلیون و صد هزار تا شش میلیون
۶/۹	۴	۱۸	شش میلیون و صد هزار تا هشت میلیون
۶/۹	۴	۱۸	بالاتر از هشت میلیون
۱۰۰	۵۷/۸	۲۶۰	کل
	۴۲/۲	۱۹۰	بدون پاسخ (خانه دار یا بیکار)
	۱۰۰	۴۵۰	کل

مقادیر جدول بالا بیانگر این است که میزان درآمد ماهیانه ۱۵/۳ درصد از نمونه آماری پژوهش زیر یک میلیون تا دو میلیون، ۲۵/۱ درصد دو میلیون و صد هزار تا چهار میلیون، ۹/۴ درصد چهار میلیون و صد هزار تا شش میلیون، ۴ درصد شش میلیون و صد هزار تا هشت میلیون، ۴ درصد بالاتر از هشت میلیون و ۴۲/۲ درصد خانه دار یا بیکار هستند که بیشترین تعداد نمونه آماری پژوهش را تشکیل داده‌اند و نشان می‌دهد اکثریت زنان متأهل از نمونه آماری پژوهش به درآمد همسرانشان وابسته‌اند.

جدول ۸. توزیع نمونه آماری پژوهش بر حسب تحصیلات

درصد معتبر	درصد	فراوانی	تحصیلات
۷/۳	۷/۳	۳۳	زیر دیپلم
۳۴/۲	۳۴/۲	۱۵۴	دیپلم
۱۱/۳	۱۱/۳	۵۱	فوق‌دیپلم
۲۸	۲۸	۱۲۶	لیسانس
۱۹/۱	۱۹/۱	۸۶	فوق لیسانس و بالاتر
۱۰۰	۱۰۰	۴۵۰	کل

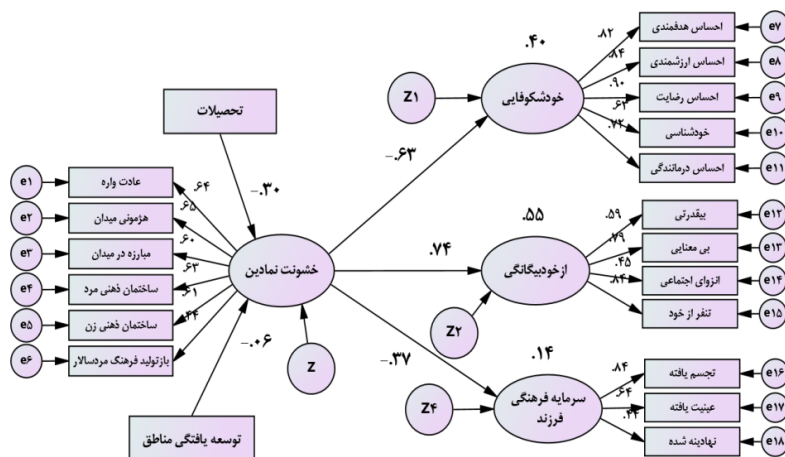
بر حسب اطلاعات جدول بالا، میزان تحصیلات ۷/۳ درصد از نمونه آماری پژوهش زیر دیپلم، ۳۴/۲ درصد دیپلم، ۱۱/۳ درصد فوق دیپلم، ۲۸ درصد لیسانس، ۱۹/۱ درصد فوق لیسانس و بالاتر است. بنابراین می‌توان گفت درصد بیشتری از نمونه آماری به افراد دارای تحصیلات دیپلم اختصاص دارد.

جدول ۹. توصیف متغیرهای پژوهش با استفاده از شاخص‌های توصیفی

متغیر	نوع متغیر	شاخص			
		میانگین	انحراف معیار	واریانس	کجی
خشونت نمادین	مستقل	۳/۰۶	۰/۶۱	۰/۳۷	-۰/۴۲
از خودبیگانگی	وابسته	۲/۷۷	۰/۷۰	۰/۴۹	-۰/۱۰
خودشکوفایی	وابسته	۴/۴۴	۰/۷۳	۰/۵۳	-۰/۲۰
سرمایه فرهنگی	وابسته	۴/۳۳	۰/۶۷	۰/۴۵	-۰/۴۴

مقادیر جدول بالا نشان می‌دهد: در مجموع میانگین متغیر خشونت نمادین و از خود بیگانگی در بین نمونه آماری پژوهش به ترتیب ۳/۰۶ و ۲/۷۷ پایین‌تر از حد متوسط (۳/۵) برآورد شده است و میانگین متغیر خودشکوفایی و سرمایه فرهنگی به ترتیب ۴/۴۴ و ۴/۳۳ بالاتر از حد متوسط (۳/۵) می‌باشند. این مقادیر نمایانگر آن است که میزان خشونت نمادین و از خودبیگانگی در بین پاسخگویان حدوداً متوسط رو به پایین است و میزان خودشکوفایی و سرمایه فرهنگی فرزند در بین پاسخگویان تقریباً متوسط رو به بالا می‌باشد بعلاوه مقادیر مربوط به شاخص‌های شکل توزیع (کجی و کشیدگی) نشان دهنده تمایل شکل توزیع داده‌ها به سمت توزیع نرمال است.

با استفاده از رویکرد مدل‌سازی معادله ساختاری کوواریانس محور مدل تجربی پژوهش برآزش شده است. برآوردهای مربوط به شاخص‌های برآزش کلیت مدل و پارامترهای اصلی مدل (اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای تحصیلات، سطح توسعه یافتگی مناطق و خشونت نمادین بر متغیرهای خودشکوفایی، از خودبیگانگی و سرمایه فرهنگی فرزند) در شکل و جداول زیر گزارش شده است:



شکل ۲. مدل معادله ساختاری اثر متغیرهای تحصیلات و توسعه یافتگی مناطق بر متغیرهای خودشکوفایی، از خودبیگانگی و سرمایه فرهنگی با میانجی‌گری متغیر خشونت نمادین

جدول ۱۰. برآورد مقادیر شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری

شاخص	برازش مطلق			برازش تطبیقی			برازش مقتصد		هلتز
	GFI	CMIN	TLI	PCFI	CFI	DF	RMSEA	CMIN/DF	
مقدار	۰/۹۱	۷۵۷/۲۳	۰/۹۰	۰/۶۹	۰/۸۸	۱۶۷	۰/۰۸	۴/۵۳	۱۸۶

شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری با توجه به دامنه مطلوب این شاخص‌ها در مجموع بیانگر این است که مدل مفروض تدوین‌شده توسط داده‌های پژوهش حمایت می‌شوند، به عبارت دیگر، برازش داده‌ها به مدل برقرار و همگی شاخص‌ها دلالت بر مطلوبیت مدل معادله ساختاری دارند.

جدول ۱۱. برآورد مقادیر پارامترهای اصلی مدل معادله ساختاری

متغیر مستقل	متغیر میانجی	متغیر وابسته	ضریب تعیین	ضرایب غیرمستقیم		ضرایب مستقیم (خشونت نمادین)	
				Sig	Beta	Sig	Beta
تحصیلات توسعه‌یافتگی مناطق	خشونت نمادین	خودشکوفایی	۰/۴۰	۰/۱۱	۰/۱۹	۰/۱۲	-۰/۶۳
				۰/۲۰۹	۰/۰۴	۰/۱۲	-۰/۶۳
تحصیلات توسعه‌یافتگی مناطق		از خودبیگانگی	۰/۵۵	۰/۱۲	-۰/۲۲	۰/۱۲	-۰/۷۴
				۰/۲۳۸	-۰/۰۴	۰/۱۲	-۰/۷۴
تحصیلات توسعه‌یافتگی مناطق		سرمایه فرهنگی	۰/۱۴	۰/۰۹	۰/۱۱	۰/۱۳	-۰/۳۷
				۰/۲۱۸	۰/۰۲	۰/۱۳	-۰/۳۷

مقادیر جدول بالا بیانگر این است:

- متغیرهای تحصیلات، توسعه‌یافتگی مناطق و خشونت نمادین در مجموع ۴۰ درصد از واریانس متغیر خودشکوفایی را تبیین می‌کنند. به عبارت دیگر این متغیرها در حد بالایی توان تبیین واریانس متغیر خودشکوفایی را دارند. اثر مستقیم متغیر خشونت نمادین بر متغیر خودشکوفایی برابر با مقدار (Beta = -۰/۶۳) و به لحاظ آماری معنادار است. مقدار ضریب نیز نشان دهنده اثر معکوس و در حد بالای متغیر خشونت نمادین بر متغیر خودشکوفایی در بین جامعه آماری پژوهش است. اثر غیر مستقیم متغیر تحصیلات بر خودشکوفایی برابر با مقدار (Beta = ۰/۱۹) و از نظر آماری معنادار است. بنابر این می‌توان گفت متغیر خشونت نمادین در رابطه بین متغیر تحصیلات و خودشکوفایی نقش میانجی ایفا می‌کند. با توجه به مقدار ضریب، میانجی‌گری در حد ضعیف است. اثر غیرمستقیم متغیر توسعه‌یافتگی مناطق بر خودشکوفایی

برابر با مقدار (Beta = ۰/۰۴) و به لحاظ آماری معنادار نیست. بنابراین متغیر خشونت نمادین در رابطه بین متغیر سطح توسعه یافتگی با متغیر خودشکوفایی نقش میانجی ایفا نمی‌کند.

- متغیرهای تحصیلات، توسعه یافتگی مناطق و خشونت نمادین در مجموع ۵۵ درصد از واریانس متغیر از خودبیگانگی را تبیین می‌کنند. به عبارت دیگر این متغیرها در حد بالایی توان تبیین واریانس متغیر از خودبیگانگی را دارند. اثر مستقیم متغیر خشونت نمادین بر متغیر از خودبیگانگی برابر با مقدار (Beta = ۰/۷۴) و به لحاظ آماری معنادار است. مقدار ضریب نیز نشان دهنده اثر مستقیم و در حد بالای متغیر خشونت نمادین بر متغیر از خودبیگانگی در بین جامعه آماری پژوهش است. اثر غیرمستقیم متغیر تحصیلات بر از خودبیگانگی برابر با مقدار (Beta = -۰/۲۲) و از نظر آماری معنادار است. بنابر این می‌توان گفت متغیر خشونت نمادین در رابطه بین متغیر تحصیلات و از خودبیگانگی نقش میانجی ایفا می‌کند. با توجه به مقدار ضریب، میانجی‌گری در حد ضعیف است. اثر غیرمستقیم متغیر توسعه یافتگی مناطق بر از خودبیگانگی برابر با مقدار (Beta = -۰/۰۴) و به لحاظ آماری معنادار نیست. بنابراین متغیر خشونت نمادین در رابطه بین متغیر سطح توسعه یافتگی با متغیر از خودبیگانگی نقش میانجی ایفا نمی‌کند.

- متغیرهای تحصیلات، سطح توسعه یافتگی مناطق و خشونت نمادین در مجموع ۱۴ درصد از واریانس متغیر سرمایه فرهنگی را تبیین می‌کنند. به عبارت دیگر این متغیرها در حد متوسط توان تبیین واریانس متغیر سرمایه فرهنگی فرزند را دارند. اثر مستقیم متغیر خشونت نمادین بر متغیر سرمایه فرهنگی فرزند برابر با مقدار (Beta = -۰/۳۷) و به لحاظ آماری معنادار است. مقدار ضریب نیز نشان دهنده اثر معکوس و در حد متوسط متغیر خشونت نمادین بر متغیر سرمایه فرهنگی فرزند در بین جامعه آماری پژوهش است. اثر غیرمستقیم متغیر تحصیلات بر سرمایه فرهنگی فرزند برابر با مقدار (Beta = ۰/۱۱) و از نظر آماری معنادار است. بنابر این می‌توان گفت متغیر خشونت نمادین در رابطه بین متغیر تحصیلات و سرمایه فرهنگی فرزند نقش میانجی ایفا می‌کند. با توجه به مقدار ضریب میانجی‌گری در حد ضعیف است. اثر غیر مستقیم متغیر توسعه - یافتگی مناطق بر سرمایه فرهنگی فرزند برابر با مقدار (Beta = ۰/۰۲) و به لحاظ آماری معنادار نیست. بنابر این متغیر خشونت نمادین در رابطه بین متغیر سطح توسعه یافتگی با متغیر سرمایه فرهنگی فرزند نقش میانجی ایفا نمی‌کند.

در این قسمت، مهم‌ترین نتایج پژوهش (یافته‌های تحلیلی) بر مبنای فرضیه‌های پژوهش و با استناد به مبانی نظری و تجربی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است:

جدول ۱۲. برآورد مقادیر اثر متغیر توسعه‌یافتگی مناطق و تحصیلات بر خشونت نمادین

متغیر مستقل (زمینه‌ای)	مسیر	متغیر وابسته	ضریب تعیین	ضریب تأثیر	CR	P. Value
توسعه‌یافتگی مناطق	<---	خشونت نمادین	۰/۰۴	-۰/۱۹	-۲/۹۵	۰/۰۰۳
تحصیلات	<---	خشونت نمادین	۰/۰۹	-۰/۳۰	-۴/۴۰	۰/۰۰۱

طبق جدول شماره ۱۲ مقدار ضریب تأثیر متغیر سطح توسعه‌یافتگی مناطق برابر  $(\text{Beta} = -0/19)$  به دست آمد که در سطح  $(P < 0/01)$  معنادار است. بنابراین فرضیه پژوهش مبنی بر وجود اثر متغیر سطح توسعه‌یافتگی مناطق بر خشونت نمادین واقع بر زنان، تأیید می‌شود. مقدار ضریب بیانگر تأثیر معکوس و در حد ضعیف این متغیر بر خشونت نمادین واقع بر زنان است. در نتیجه می‌توان گفت در بین بخش کمی از جامعه آماری پژوهش افزایش سطح توسعه‌یافتگی منطقه می‌تواند منجر به کاهش خشونت نمادین واقع بر زنان شود. همچنین جهت بررسی این فرضیه از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه<sup>۱</sup> استفاده گردید، برآوردهای مربوط به این آزمون در جدول زیر گزارش شده است:

جدول ۱۳. برآورد مقادیر آزمون تحلیل واریانس جهت مقایسه میانگین خشونت نمادین در بین مناطق

متغیر	مناطق	میانگین	انحراف معیار	همگنی واریانس		آماره F	سطح معناداری
				آماره لوین	Sig		
خشونت نمادین	منطقه دو	۳	۰/۶۰	۰/۴۷	۰/۷۵۳	۳/۹۴	۰/۰۰۴
	منطقه شش	۳/۰۳	۰/۵۶				
	منطقه ده	۳/۱۷	۰/۵۷				
	منطقه سیزده	۳/۱۴	۰/۶۳				
	منطقه هفده	۳/۳۷	۰/۵۴				

برآورد مقادیر مربوط به آزمون تحلیل واریانس یک طرفه در جدول بالا نشان دهنده این - است که بین مناطق مختلف به لحاظ میانگین متغیر خشونت نمادین تفاوت معناداری وجود دارد  $(\text{Sig} < 0/05)$ . بنابر این به منظور بررسی دقیق‌تر و جزئی‌تر تفاوت بین مناطق مختلف به لحاظ میانگین متغیر خشونت نمادین از آزمون تعقیبی شفه<sup>۲</sup> استفاده گردید، برآوردهای مربوط به این آزمون در جدول زیر گزارش شده است:

1. One Way ANOVA  
2. Scheffe



جدول ۱۴. برآورد آزمون تعقیبی شفه جهت مقایسه میانگین متغیر خشونت نمادین در بین مناطق

متغیر	مناطق		تفاوت میانگین	سطح معناداری
خشونت نمادین	منطقه دو	منطقه شش	-۰/۰۲	۱
		منطقه ده	-۰/۱۶	۰/۵۰۲
		منطقه سیزده	-۰/۱۳	۰/۷۷۳
		منطقه هفده	-۰/۳۷	۰/۰۰۷
	منطقه شش	منطقه ده	-۰/۱۴	۰/۸۶۳
		منطقه سیزده	-۰/۱۱	۰/۹۴۹
		منطقه هفده	-۰/۳۵	۰/۱۳۱
	منطقه ده	منطقه سیزده	۰/۰۳	۰/۹۹۹
		منطقه هفده	-۰/۲۱	۰/۴۶۴
	منطقه سیزده	منطقه هفده	-۰/۲۳	۰/۴۰۸

مقادیر مربوطه برآورد آزمون تعقیبی شفه در جدول بالا بیانگر این است تنها بین منطقه دو با منطقه هفده به لحاظ میانگین متغیر خشونت نمادین تفاوت معناداری وجود دارد ( $Sig < 0/05$ ). به این معنا که میانگین متغیر خشونت نمادین در بین منطقه دو به طور معناداری پایین تر از منطقه هفده است. بنابراین فرضیه پژوهش مبنی بر اینکه بین مناطق مختلف به لحاظ میزان خشونت - نمادین تفاوت وجود دارد، تأیید می‌شود.

### نتیجه‌گیری و پیشنهادها

اقتصاد دانانی نظیر مایکل تودارو<sup>۱</sup> در بررسی توسعه و توسعه نیافتگی، نفس صرف کمیت‌های اقتصادی را در میزان رشد سالانه تولید ناخالص ملی و توسعه نیافتگی را در میزان صرف درآمد سرانه، اشتغال و نابرابری درآمدهای گروه‌های اجتماعی مورد نقد قرار می‌دهند و توسعه نیافتگی را حاصل سه جزء اقتصادی و نیز غیر اقتصادی یعنی پایین بودن سطح زندگی، پایین بودن اعتماد به نفس و آزادی محدود می‌دانند؛ که پیوسته عنصر معلول توسعه نیافتگی اقتصادی- اجتماعی می‌باشد. همچنین از جمله شاخص‌های توسعه اقتصادی یا سطح توسعه یافتگی شاخص توسعه انسانی و حضور فعال زنان در عرصه اجتماعی عنوان کرده‌اند. این شاخص‌ها در سال ۱۹۹۱ توسط سازمان ملل متحد معرفی گردید که بر اساس این شاخص‌ها؛ یعنی درآمد سرانه واقعی (بر اساس روش شاخص برابری خرید)، امید به زندگی (در بدو تولد) و دسترسی به آموزش (که تابعی از نرخ باسوادی بزرگسالان و میانگین سال‌های به مدرسه رفتن افراد است) در بعد

1. Michael Paul Todaro

توسعه انسانی و نیز شاخص حضور فعال زنان در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بشدت جامعه را توسعه یافته‌تر می‌کند. در جوامع توسعه نیافته، نیمی از جمعیت را زنان تشکیل می‌دهند که اکثراً بیکارند و به این ترتیب نیروی انسانی در این کشورها به نصف کاهش یافته است.

با گذشت زمان و گسترش جوامع توسعه یافته، ویرانی طبیعت، افزایش آلودگی‌های زیست محیطی، تداوم فقر و نابرابری‌های اجتماعی، شیوع فساد و... از کارکردهای پنهان توسعه در کشورهای مختلف به شمار آمده است. توسعه در کشورهای مختلف می‌تواند متفاوت باشد، مانند فقدان دولت کارآمد، عدم انباشت سرمایه، عدم وجود نیروی انسانی و... اما آنچه به عنوان وجه مشترک در اکثر قریب به اتفاق این کشورها به عنوان عامل و دلیل اساسی همچنانکه نتایج تحقیق حاضر نشان می‌دهد، این است که این کشورها به جای توسعه درون‌زا، به توسعه بیرون‌زا روی آورند. بخشی از توسعه درون‌زا به رشد و بالندگی و آموزش فردی افراد باز می‌گردد و برخی از آن مانند منطقه زندگی بیرون‌زا می‌باشد. در بیان نتایج این پژوهش مشخص گردید که تحصیلات بعنوان یکی از مولفه‌های توسعه یافتگی تأثیرش بر پیامدهای خشونت نمادین در بعد فردی و بعبارت دیگر درون‌زا بیان شده است. چرا که فرضیات تحقیق نشان داد که سطح تحصیلات با نقش میانجی خشونت نمادین بر خودشکوفایی زنان، معنادار است. بنابراین می‌توان گفت متغیر خشونت نمادین در رابطه بین متغیر تحصیلات و خودشکوفایی در زنان تهران نقش میانجی ایفا می‌کند. از این‌رو در بین بخشی از جامعه آماری پژوهش افزایش تحصیلات می‌تواند منجر به کاهش خشونت نمادین واقع بر زنان شود. بر اساس نظریه گود رابطه آشکار بین قدرت و منابع در خانواده وجود دارد و قدرت توانایی بالقوه یک عنصر برای نفوذ و تسلط بر رفتار دیگری تعریف می‌شود همان‌طور که سطح پایگاه اقتصادی و اجتماعی زنان (تحصیلات، شغل و درآمد) تأثیر معناداری بر میزان خشونت علیه آن‌ها دارد (دانش، ۱۳۹۶: ۶۷). یافته‌های تحقیق طالب‌پور (۱۳۹۶) نشان می‌دهد تحصیلات زنان نقشی در کاهش یا افزایش میزان همسر آزاری ندارد که با تحقیق حاضر همخوانی ندارد و یافته‌های کردی و همکاران (۱۳۹۸) نشان داد ارتباط معنی‌داری میان همسر آزاری و سطح تحصیلات وجود داشته است که با تحقیق حاضر همسو می‌باشد.

در بررسی دیگری مرتبط با شاخص توسعه انسانی و حضور زنان در جامعه مورد مطالعه مشخص گردید که کاهش خشونت نمادین باعث افزایش میزان خودشکوفایی زنان تهران می‌گردد و برعکس، همچنانکه مازلو بیان میکند که سلسله مراتب نیازهای انسانی را به ترتیب عبارت از: نیازهای فیزیولوژیک، امنیتی، عاطفی، اجتماعی-احترامی و خودشکوفایی می‌داند. تامس، مرتون و رزنتال نیز معتقدند: اگر فردی وضعیتی را واقعی فرض کند، پیامدهای آن وضعیت بدل به واقعیت می‌شوند. به عبارتی تصویر و برداشت فرد از آن چیزی که هست باید باشد و ممکن است بخواهد باشد خودپنداره فرد را تشکیل می‌دهد. افرادی که خود پنداره مثبت دارند زندگی موفقیت آمیزی را سپری می‌کنند و آنهایی که خودپنداره منفی دارند احساس حقارت،

ناتوانی، پریشانی و بی‌هدفی را با خود دارند. انواع خشونت در طول زمان اعتماد به نفس، حس ارزشمندی و عزت‌نفس (خودپنداره مثبت) را در زنان کاهش می‌دهد. با توجه به هرم مازلو موقعی که نیازهای مربوط به احترام به خود و عزت‌نفس پس از نیازهای رده‌های پایین‌تر برآورده نشوند ناسازگاری‌هایی از قبیل احساس حقارت، ضعف و درماندگی اتفاق می‌افتد. و این هم به نوبه خود در فرد احساس خودکم‌ارزشی بوجود می‌آورد و مانع رسیدن فرد به خودشکوفایی می‌گردد زیرا افراد خودشکوفای تمام نیازها در ۴ سطح نخست سلسله مراتب نیازها را ارضاء کرده‌اند. این یافته با تحقیقی که فرنچ و جوزف<sup>۱</sup> (۱۹۹۹) انجام دادند و مشخص شد، خودشکوفایی با شادکامی و هدفمندی زندگی همبستگی مثبت دارد و داهی و همکاران<sup>۲</sup> (۱۹۸۳) که در پژوهش خود نشان دادند بین خودشکوفایی و روان‌رنجوری رابطه معنادار و منفی وجود دارد، مطابقت دارد بنابراین تحصیلات زنان بشدت بر شاخص توسعه انسانی و فعالیت زنان بعنوان شاخصه‌های اصلی توسعه یافتگی اثرگذار می‌باشد.

در مجموع در زنان تهران بعنوان جامعه آماری این تحقیق هر چه تحصیلات بالاتر رفته میزان متغیر خودشکوفایی بالاتر شده است. عبارتی زنان با تحصیلات بالاتر درک بهتری از ماهیت، استعداد و موفقیت‌های خود دارند و از عهده کارها بهتر برمی‌آیند بعلاوه میزان رضایت، ارزشمندی و هدفمندی که از شاخص‌های خودشکوفایی است در آنها افزایش می‌یابد. همچنین متغیر خشونت نمادین در رابطه بین متغیر تحصیلات و ازخودبیگانگی نقش میانجی ایفا می‌کند. در جامعه زنان تهران مشخص گردید که، با افزایش خشونت نمادین ازخودبیگانگی نیز افزایش می‌یابد. بر اساس نظریات فروم، راجرز و فردینبرگ: قبول انقیاد و تسلیم به خواسته‌های دیگران و سرکوب شدن مفهوم فردیت از عوامل ازخودبیگانگی است. این یافته با تحقیقات غفوری کله و محسنی‌تبریزی (۱۳۹۷) که بین رضایت از زندگی و تمامی ابعاد ازخودبیگانگی به رابطه معنی‌دار و معکوس رسیده‌اند و حاجی‌هاشمی و همکاران (۱۳۹۶) که در بررسی خود دریافتند در جامعه پدرسالاری علاوه بر عقاید غلط حاکم و نوع نگرش جامعه نسبت به زن، شیوه‌های رفتاری زنان و ناآگاهی از حقوق و جایگاه انسانی خود در جامعه از دلایل اصلی سلطه مرد بر زندگی زن و از بین بردن حقوق وی و سرانجام ازخودبیگانگی او محسوب می‌شود؛ همسو می‌باشد.

در مجموع هر چه آگاهی و سطح تحصیلات زنان ارتقاء داشته، تجربیات بیشتری در زندگی کسب می‌کنند اگر چه آنان نابرابری، محرومیت و فشارهای اجتماعی و... را تجربه می‌کنند اما امید به آینده و تلاش برای دنبال کردن خواسته‌هایشان آنان را به سمت کنشگری فعال هدایت می‌کند همان زمانی که از وضعیت تحصیلی و روحیه کافی مناسب برای رهایی از پدیده ازخودبیگانگی برخوردارند. چنان‌که امید به آینده و تلاش در زمینه تحصیل و اعتماد بنفس بیشتر،

1. French & Joseph  
2. Dahiet al.

آنان را از بی‌قدرتی (بی‌اختیاری)، بی‌معنایی (بی‌هدفی و زندگی را پوچ و بیهوده تصور کردن)، انزوای اجتماعی (فردگرایی و عدم مشارکت در امور) و تنفر از خود (احساس از خود راضی نبودن و اینکه از دیگران عقب‌تر هستند) که از شاخص‌های از خود بیگانگی است، می‌رساند.

از دیگر نتایج تحقیق حاضر تاثیر متغیر خشونت نمادین در رابطه بین متغیر تحصیلات و سرمایه فرهنگی فرزند بصورت نقش میانجی بود از نظر بورديو: سرمایه فرهنگی به سه شکل وجود دارد: حالت متجسد؛ حالت عینیت یافتگی؛ حالت نهادینه شده؛ از دیدگاه کلمن نیز سرمایه اجتماعی در خانواده، منبعی برای تحصیل فرزندان خانواده است (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۷۸). بر این اساس، می‌توان گفت نبود روابط گرم و صمیمی میان والدین همراه با خشونت موجب می‌شود فرزند از سرمایه اجتماعی و حمایت خانواده که منبعی برای موفقیت در تحصیل و بروز استعدادهاى اوست بی‌بهره بماند و مادر که نقش مهمی در تشویق و مساعدت به فرزند برای رشد و بالندگی او ایفا می‌کند، اگر خود دچار عدم آرامش، اضطراب و... باشد نمی‌تواند برای شکوفایی استعدادها و توانایی‌های وی مشوق و یاری‌گر باشد. همچنین این یافته با پژوهش کردی و غضنفری (۱۳۹۴) که در مطالعه خود دریافتند سرمایه اجتماعی درون خانواده (ارتباطات درون خانوادگی) در رتبه اول بر موفقیت تحصیلی فرزندان است و علوی‌اندراجمی و ایزدی (۱۳۹۶) که در پژوهش خود دریافتند تأثیر کارکرد خانواده (برابر با ۰/۷۵) بیشترین اثر را بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان، دارد، هم‌خوان است.

در مجموع اگر سرمایه انسانی پدر و مادر (مهارت‌ها و دانش اخذ شده ایشان) با سرمایه اجتماعی نهفته در روابط خانوادگی تکمیل شود بر رشد آموزشی فرزند موثر است. علاوه بر این دیده شد هر چه تحصیلات بالاتر رود سطح خشونت نمادین پایین آمده وقتی میزان خشونت در خانواده کاهش یابد سرمایه اجتماعی خانواده رشد یافته و بر رشد سرمایه فرهنگی فرزند مؤثر واقع می‌شود.

از دیگر نتایج جالب توجه در این تحقیق تاثیر مناطق مختلف بر میزان خشونت نمادین علیه زنان در تهران می‌باشد در حالیکه فرضیه دیگر تحقیق در خصوص تاثیر سطح توسعه یافتگی مناطق با نقش میانجی خشونت نمادین بر خودشکوفایی، از خودبیگانگی و سرمایه فرهنگی زنان رد شد. که نتایج حاکی از عدم تاثیر متغیر خشونت نمادین بعنوان نقش میانجی در رابطه بین متغیر سطح توسعه یافتگی مناطق بر خودشکوفایی، از خودبیگانگی و سرمایه فرهنگی زنان می‌باشد. اما مشاهده گردید بین مناطق مختلف به لحاظ میزان خشونت نمادین تفاوت وجود دارد. طبق جدول شماره ۱۴ تنها بین منطقه دو با منطقه هفده به لحاظ میانگین متغیر خشونت نمادین تفاوت معناداری وجود دارد. به این معنا که میانگین متغیر خشونت نمادین در بین منطقه دو (توسعه یافته رو به بالا) به‌طور معناداری پایین‌تر از منطقه هفده (منطقه محروم) است. به بیان بورديو اگر جامعه به مثابه یک میدان قلمداد شود، تعیین‌کننده جایگاه افراد در این عرصه، میزان

برخورداری آنها از انواع سرمایه است (بورديو، ۱۹۸۵: ۲۴۳). از شاخص‌های مهم فرهنگ فقر نظریه اسکارلویی‌س عبارتند از: پائین بودن سطح سواد؛ پائین بودن درآمد و داشتن مزد اندک (عنبری، ۱۳۹۳: ۲۱۵). در مناطق محروم (مانند منطقه ۱۷) خانواده‌ها از پایگاه اقتصادی-اجتماعی پایین‌تری نسبت به مناطق دیگر برخوردارند. وضعیت اقتصادی در سطح پایین، فقر و فرهنگ مردسالاری که در این مناطق بیشتر است؛ باعث می‌شود اعضای خانواده مانند زنان نتوانند به خوبی در ادامه تحصیل، یافتن شغل مناسب و کسب درآمد موفق باشند بنابراین از لحاظ دارا بودن میزان منابع (شغل، تحصیلات، درآمد، مهارت و اطلاعات) در سطح پایین‌تری از مناطق توسعه یافته رو به بالا (مانند منطقه ۲) قرار دارند. طبق نظریه منابع، کسانی که در خانواده از میزان منابع کمتری برخوردارند از قدرت کمتری نیز برخوردار خواهند بود و می‌توانند بیشتر در معرض خشونت و فرهنگ مردسالاری که زن را محدود می‌کند؛ قرار گیرند. قزوینه و همکاران (۱۳۹۷) در تحقیق خود به این نتیجه دست یافتند که میزان بالای بیکاری و درآمد پایین، مهاجرت و گسترش حاشیه نشینی که به طور گسترده در مناطق فقیر شهری وجود دارد، بر وقوع خشونت تأثیر مستقیم داشته است و یافته‌های تحقیق صادقی و همکاران (۱۳۹۶) نشان می‌دهند شیوع خشونت در طبقه اجتماعی پایین بیشتر است که با تحقیق حاضر مطابقت دارند.

با توجه به اینکه در مورد پژوهش حاضر در ایران بررسی‌های چندانی صورت نپذیرفته است، این پژوهش می‌تواند مبنایی برای پژوهش‌های آینده در زمینه خشونت نمادین و پیامدهای گوناگون آن باشد. همچنین از آنجا که امروزه میزان خشونت در خانواده افزایش یافته، پژوهش حاضر قادر است چهار چوبی برای درک بهتر پیامدهای حاصل از این نوع خشونت در خانواده فراهم کند و با ارائه راهکارها، موجب رضایت بیشتر از زندگی میان اعضای خانواده شود. براساس یافته‌های این پژوهش، برخی از پیشنهادها کاربردی در زمینه کاهش خشونت نمادین به شرح زیر بیان می‌شود:

تغییر قوانین مندرج در قانون اساسی کشور در جهت زدودن تبعیض جنسیتی و برقراری عدالت جنسی، منطبق بر اعلامیه جهانی حقوق بشر؛ اصلاح قوانین ازدواج و طلاق (مواردی که مانع رشد و تعالی زنان است)؛ تغییر نگاه مردان از طریق رسانه و امکان تحصیل، چنان‌که مشخص شود هویت مردان ربطی به مالکیت بر زنان ندارد؛ در اختیار قراردادن امکانات کافی برای زنان به منظور رشد و شکوفایی و از بین بردن محدودیت‌های دست و پاگیر در امر تحصیل، کار و...؛ اعطای کمک‌های مشاوره‌ای و حمایتی به زنان؛ معرفی زنان خلاق و تلاش برای دیده شدن آنان؛ ایجاد علاقه به جای وابستگی شدید به همسر؛ حمایت از زنان در زمینه نوآوری و فناوری؛ غربالگری خشونت در مناطق از طرف مراکز بهداشت منطقه، تا زنان واقع در معرض انواع خشونت را حمایت و راهنمایی نمایند؛ بالا بردن حس اعتماد به نفس، توانمندی و خودباوری زنان در اثر امکان تحصیل و به دنبال آن کسب شغل؛ آموزش خانواده‌ها با اولویت اصلاح سبک

گفت‌وگوی زوجین، که موجب می‌شود آنان بدور از پرخاشگری به حل و فصل مسائل بپردازند از این رو رضایتمندی و سرمایه اجتماعی خانواده افزایش می‌یابد؛ تصویب قوانین در زمینه پیشگیری از خشونت نیز صورت پذیرد.

## منابع

- آبراهامز، هیلاری (۱۳۹۲). **مددکاری اجتماعی: حمایت از زنان در مقابل خشونت‌های خانگی**، ترجمه محمدرضا ایروانی، رؤیا زمانی و اکرم فخری فخر امینی، تهران: سخنوران.
- ابراهیمی، قربانعلی؛ جانعلی‌زاده چوبیستی، حیدر؛ رزاقی مله، هادی (۱۳۹۵). بررسی تاثیر سرمایه فرهنگی بر اعتماد اجتماعی (مطالعه موردی شهروندان ۱۸ سال و بالاتر شهر تهران)، *فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان*، دوره ۶، شماره ۲۱، صص ۴۴-۲۵.
- ابراهیمی‌پور، قاسم (۱۳۹۰). **خشونت نمادین در خانواده، تشریح معرفت**، سال بیستم، شماره ۱۶۲، صص ۱۵-۳۰.
- اسماعیل‌خانی، فرشته؛ نجاریان، بهمن؛ مهرابی‌زاده هنرمند، مهناز (۱۳۸۰). **ساخت و اعتباریابی مقیاسی برای سنجش خودشکوفایی، فصلنامه علمی- پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء(س)**، دوره ۱۱، شماره ۳۹، صص ۲۰-۱.
- افشانی، سیدعلیرضا؛ خرم‌پور، یاسین؛ ممینی، سجاد (۱۳۹۳). **بررسی رابطه دینداری و خود شکوفایی (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه یزد)**، *فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی- فرهنگی*، دوره ۳، شماره ۱، صص ۵۲-۲۹.
- ایمان، محمدتقی؛ ستوده، مهرانگیز؛ عنایت، حلیمه؛ رجبی، ماهرخ (۱۳۹۹). **تولید و بازتولید سلطه نمادین علیه زنان در دهشت، فصلنامه مطالعات اجتماعی- روانشناختی زنان**، دوره ۱۸، شماره ۱، صص ۶۴-۷.
- باقری‌زنوز، بهارک و علمی، محمود (۱۳۹۱) **سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی؛ نشانه‌های آسیب‌شناختی در روابط اجتماعی در ایران**، *مطالعات جامعه‌شناختی*، دوره ۲، شماره ۵، صص ۱۳۸-۱۲۵.
- بنی‌فاطمه، حسین؛ رسولی، زهره (۱۳۹۰). **بررسی میزان بیگانگی اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه تبریز و عوامل مرتبط با آن، جامعه‌شناسی کاربردی**، دوره ۲۲، شماره ۱، صص ۲۶-۱.
- بوردیو، پیر (۱۳۹۶). **درسی درباره درس**، ترجمه ناصر فکوهی، تهران: نشر نی.
- پنجه‌پور، نسرین؛ معمار، ثریا؛ شیخ، حسن (۱۳۹۴). **بررسی نقش هویت دینی بر حفظ میراث فرهنگی در بین جوانان شهر اصفهان، جامعه‌شناسی کاربردی**، دوره ۲۶، شماره ۳، صص ۱۹۴-۱۷۳.
- تاجبخش، کیان (۱۳۸۴). **سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه**، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: نشر شیرازه.

- جعفریان، طیبه؛ فتحی، منصور؛ عرشی، ملیحه؛ قادری، رمضانعلی (۱۳۹۴). بررسی تأثیر هوش هیجانی مردان بر خشونت علیه زنان در بین زوجین متأهل، *دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، دوره ۱۶، شماره ۴، پیاپی (۶۲)، صص ۷۶-۸۳.
- حاجی هاشمی، زهرا؛ صاعدی، احمدرضا؛ گنجی، نرگس (۱۳۹۶). بررسی ازخودبیگانگی زن در جامعه پدرسالار داستان‌های کوتاه زویا پیرزاد و هیفاء بیطار، *کاوشنامه ادبیات تطبیقی*، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی کرمانشاه، دوره ۷، شماره ۲۶، صص ۴۳-۶۲.
- خاوری، زهرا؛ محسنی تیریزی، علی‌رضا؛ سید میرزایی، سیدمحمد (۱۴۰۰). تحلیل جامعه‌شناختی ازخودبیگانگی زنان (مورد مطالعه: زنان بین ۲۰ تا ۵۰ ساله شهر مشهد) براساس رویکرد نظریه مبنایی، *پژوهش‌نامه زنان*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال دوازدهم، شماره ۲، صص ۲۲-۳.
- خواجه نوری، بیژن؛ پرنیان، لیلا؛ همت، صغری (۱۳۹۳). مطالعه ارتباط شاخص‌های جهانی‌شدن فرهنگی و ازخودبیگانگی زنان، *فصلنامه جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، دوره ۱، شماره ۴، صص ۵۷-۹۲.
- دانش، پروانه؛ شربتیان، محمدحسن؛ طوافی، پویا (۱۳۹۶). تحلیل جامعه‌شناختی خشونت خانگی علیه زنان و رابطه آن با احساس امنیت در خانه (مطالعه موردی زنان ۱۸-۵۴ سال شهر میانه)، *پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی*، سال ششم، شماره ۱، صص ۴۷-۷۲.
- رحمان‌نژاد، مینو (۱۳۹۷). *آبراهام مزلو، زندگی‌نامه، رویکردها، نقد رویکردها*، تهران: اکسیر اندیشه.
- ریتزر، جورج (۱۳۹۳). *نظریه‌های جامعه‌شناسی*، ترجمه هوشنگ ناییبی، تهران: نشر نی.
- زاهدی مازندرانی، محمدجواد (۱۳۹۳). *توسعه و نابرابری*، تهران: مازیار.
- سهراب‌زاده، مهران و منصوریان راوندی، فاطمه (۱۳۹۶). تجربه زیسته زنان از خشونت کلامی در خانواده (مطالعه موردی: زنان شهر کاشان)، *فصلنامه زن در فرهنگ و هنر*، دوره ۹، شماره ۲، صص ۲۴۴-۲۴۵.
- صادقی، رسول؛ ویژه، مریم؛ زنجری، نسیم (۱۳۹۶). عوامل مرتبط با خشونت خانگی علیه زنان در تهران، *پژوهشنامه مددکاری اجتماعی*، سال چهارم، شماره ۱۴، صص ۳۷-۶۶.
- طالب پور، اکبر (۱۳۹۶). بررسی عوامل موثر بر خشونت خانگی با تأکید بر همسر آزاری (مطالعه موردی: مناطق شهری و روستایی اردبیل)، *پژوهش‌های جامعه‌شناسی معاصر*، سال ششم، شماره ۱۱، صص ۲۷-۴۹.
- عراقیه‌فراهانی، فاطمه (۱۳۹۸). *پیش درآمدی بر جامعه‌شناسی زنان*، تهران: نشر جامعه‌شناسان و روش‌شناسان.

۲۶۴ دوفصلنامه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، سال یازدهم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۴۰۱

- علی‌وردی‌نیا، اکبر؛ رضی، داوود؛ آیینی، صدیقه (۱۳۹۲). تبیین جامعه‌شناختی خشونت علیه زنان: آزمون تجربی نظریه‌های منابع در دسترس زنان و فمینیسم رادیکال، *فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی*، دوره ۱۳، شماره ۴۹، صص ۳۵۸-۳۲۳.
- علوی اندراجمی، معصومه؛ ایزدی، صمد (۱۳۹۶). بررسی اثرات نقش آموزش خانواده، مدرسه و جامعه بر پیشرفت تحصیلی، *نشریه آموزش علوم دریایی*، سال چهارم، شماره ۴، صص ۱۲۰-۱۰۸.
- عنبری، موسی؛ بقایی، سارا (۱۳۹۳). ارتباط فرهنگ فقر و آسیب‌گرایی زنان حاشیه‌نشین شهری (مورد مطالعه: منطقه دیزج شهر همدان)، *توسعه روستایی*، سال ششم، شماره ۲، صص ۲۳۲-۲۰۹.
- غفوری کله، معصومه؛ محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۹۷). سنجش رابطه ابعاد پنج‌گانه بیگانگی با رضایت از زندگی (مورد مطالعه شهروندان بالغ تهرانی)، *فصلنامه علمی - پژوهشی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر*، سال دوازدهم، شماره ۱، صص ۹۷-۱۲۴.
- فروید، زیگموند (۱۴۰۱). *مکانیزم‌های دفاع روانی*، ترجمه حبیب‌گوهری‌راد و محمد جوادی، چاپ هفتم، تهران: رادمهر.
- فرهنگد، مهناز؛ ممبینی، سجاد؛ خرمپور، یاسین (۱۳۹۳). بررسی میزان خود شکوفایی افراد یا میزان نگرش آنان به دموکراسی (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه یزد)، *فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی جوانان*، دوره ۴، شماره ۱۳، صص ۱۱۰-۸۹.
- قزوینه، ژیلا؛ ساروخانی، باقر؛ شکرپیگی، عالیه (۱۳۹۷). توزیع فضایی خشونت‌های خانگی در شهر کرمانشاه، *فصلنامه جغرافیا و پایداری محیط*، سال هشتم، شماره ۲۸، صص ۹۸-۷۹.
- کبیری، افشار؛ سعادت، موسی؛ نوروزی، وحید (۱۳۹۷). تحلیل جامعه‌شناختی عوامل موثر بر خشونت خانگی علیه زنان (مورد مطالعه: زنان متأهل شهر ارومیه)، *فصلنامه علمی - پژوهشی زن و جامعه*، سال نهم، شماره ۲، صص ۳۲۰-۲۹۵.
- کردی، حسین؛ غضنفری، شهربانو (۱۳۹۴). تبیین جامعه‌شناختی رابطه میزان سرمایه اجتماعی خانواده با موفقیت تحصیلی فرزندان، *نشریه جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیست و ششم، شماره ۳، صص ۱۷۱-۱۶۱.
- کردی، راهله؛ جمشیدی، فرخنده؛ لیمویی، فریبا؛ حسینی بهبهانی، سید فرزاد (۱۳۹۸). بررسی میزان همسر آزاری و برخی عوامل مرتبط با آن در شهر اهواز طی سال‌های ۱۳۹۵ الی ۱۳۹۶، *مجله علمی پزشکی جندی شاپور*، دوره ۱۸، شماره ۱، صص ۶۹-۵۹.
- کوچکیان، لیلا و ادهمی، علیرضا (۱۳۹۷). بررسی تاثیر فقر اقتصادی بر روابط عاطفی بین زوجین (مطالعه موردی: خانواده‌های منطقه ۱۶ تهران)، *پژوهشنامه مددکاری اجتماعی*، سال پنجم، شماره ۱۸، صص ۱۹۹-۱۶۳.
- لش، اسکات (۱۳۸۴). *جامعه‌شناسی پست‌مدرنیسم*، ترجمه حسن چاوشیان، چاپ دوم، تهران: مرکز.



- لطفی خاچکی، طاهره؛ کرمانی، مهدی (۱۳۹۹). عاملیت زنانه در مواجهه با خشونت نمادین در طبقه متوسط، *فصلنامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی*، سال بیستم، شماره ۷۶، صص ۱۲۹-۸۷.
- لطیفیان، مریم؛ عرشی، ملیحه؛ علی پور، فردین و قائد امینی هارونی، غلامرضا (۱۳۹۵). بررسی رابطه خشونت خانگی و طلاق عاطفی در میان زنان متأهل شهر تهران در سال ۱۳۹۵، *فصلنامه مددکاری اجتماعی*، دوره ۵، شماره ۲، پیاپی (۱۶)، صص ۱۲-۵.
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۰). بیگانگی، مفهوم‌سازی و گروه‌بندی تئوری‌ها در حوزه‌های جامعه‌شناسی و روان‌شناسی، *نامه علوم اجتماعی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران*، دوره ۲، شماره ۲، صص ۷۰-۲۵.
- محمدی، حانیه و اصغری ابراهیم‌آبادی، محمدجواد (۱۳۹۹). نقش میانجی‌گری تفکر خلاق در رابطه تمایز یافتگی خود و خود شکوفایی زوجین مشهد، *نشریه علمی فرهنگی - تربیتی زنان و خانواده*، سال چهاردهم، شماره ۵۰، صص ۱۲۴-۱۰۷.
- مرتضوی، سید خدایار و پاکزاد، شهیندخت (۱۳۹۶). تبیین نگرش زنان نسبت به اقتدارگرایی مردانه با استفاده از مدل پیر بوردیو (مطالعه موردی: طایفه دهبالایی شهر ایلام)، *پژوهش‌نامه زنان*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال هشتم شماره ۳، صص ۱۴۶-۱۱۷.
- مهدوی دامغانی، محمود؛ صادقی، علیرضا (۱۳۹۷). انسان خودشکوف و خودشکوفایی سعدی با رویکرد تطبیقی به نظریه مزلو، *پژوهشنامه ادبیات تعلیمی*، سال دهم، شماره ۴۰، صص ۳۶-۱.
- میرزایی، حسنعلی (۱۳۹۳). در جست و جوی مدل برنامه درسی برای رشد سرمایه فرهنگی خانواده موفقیت تحصیلی فرزندان، *دو فصلنامه نظریه و عمل در برنامه درسی*، سال دوم، شماره ۴، صص ۱۱۰-۸۵.
- میرزایی، جهان‌بین؛ احمدی، سجاد؛ لرستانی، اکبر (۱۳۹۴). تحلیل فضایی سطوح برخورداری مناطق کلان‌شهر تهران از منظر اقتصاد شهری، *فصلنامه علمی - پژوهشی اقتصاد و مدیریت شهری*، تهران: انجمن علمی اقتصاد شهری ایران، دوره ۳، شماره ۱۱، صص ۷۷-۵۹.
- وبسایت آبان پرس (۱۳۹۷) *کدام پیش‌گویی‌ها خود به خود محقق می‌شوند*، بازیابی شده در ۲ مرداد ۹۸ از: <http://abanpress.ir/science/19457>.
- Bhattacharyya, R. (2019). Symbolic Violence and Misrecognition: Scripting Gender among Middle-class Women, India: *Society and Culture in South Asia*, 5(1), pp.19-46.
- Björktomta, SB. (2019). Honor- Based Violence in Sweden – Norms of Honor and Chastity, *Jornal of family violence*, No.34, pp. 449-460.
- Bourdieu, p. (1980) Le sens pratique, Paris, *Minuit*, No. 88, pp. 100-110.
- Bourdieu, P (1985). **The forms of capital" in handbook of theory and research for the sociology of education**, Ed. JG.Richardson, New York: Greenwood, pp. 241-258.

- Bourdieu, p. (1986). **Liitusion biographique in actes de la Recherche en sciences sociales**, No. 62-63, pp. 69-72.
- Dahi, R. J., Wakefield, J. A., Kimlicka, T. M., Wiederstein, M., & Cross, H J. (1983). How the personality dimensions of neuroticism, extraversion and psychoticism relate to self-actualization, *Personality and Individual Differences*, Vol. 4, No. 6, pp. 683-695.
- French, S., & Joseph S. (1999). Religiosity and its association with happiness, purpose in life and self actualization, *mental Health Religion and culture*, Vol. 2, No. 2, pp. 117-120.
- Gray, K. L, Buyukozturk, B & Hill, z. G (2017) Blurring the boundaries: Using Gamergate to examine real and symbolic violence against women in contemporary gaming culture. *sociology compass*, Vol. 11, No. 3, e12458.
- Maslow, AH. (1975). **Motivation and personality**, Newyork: Harper & Row.
- Seeman, M. (1959). On the meaning of alienation. *ASR*, Vol. 24, No. 6, pp. 783 -791.
- Thapar-Björkert, S., Samelius, L., & Sanghera, G. S. (2016). Exploring Symbolic Violence in the Everyday: Misrecognition, Condescension, Consent and Complicity, *Feminist Review*, Vol. 112, No. 1, pp. 144-162.